

بهنام خدا

چاپخانه

شماره چهارم | پائیز ۱۴۰۰

CHAPKHOONEH ART MAGAZINE

۱| نمایشگاه حاضر Weaving

سرآغاز فرآیند ادراک / فهم انسانی را از اولین برخوردهای سلولی، در همبافته و حجمی ملموس می‌توان فهم کرد. هر آنچه بعدتر، تن نامیده‌ایم. انگار درک تن، به مثابه نشانه، به مثابه آغازین متن، سرآغاز فهم هستی است. شیئت انسان. و آغاز ایجاد حافظه. آنچه بعدتر، کاربستش در سراسر زندگی همچون ابزاری شناختی، تداوم ادراک / فهم خواهد بود برای تداوم برخورد با هستی. هر آنچه می‌توان کنش زندگی نامیدش هیچ نیست جز تکرار مداوم بی‌انقطاع ادراک / فهم در برخورد با متون و نشانه‌ها به کمک حافظه همواره مقایسه‌گر. هر آنچه ناشناخته است، دعوتی است عمیق به حافظه و پربرای نخواهد بود اگر بگوییم هرآن شئ ناشناخته، دعوت حافظه است به یادآوری توده / تن. انسانیت اشیا. از این مجرما، خلق هر توده‌مادی، خلق فیگوری است انسانی. چراکه ادراک / فهم، الزام ماهوی هرآن چیزی است که شایسته است خلق نامیده شود.

حجم‌های خلق شده توسط "حامد قجرپور" در نمایشگاه "زیر و رو" پرتاب ما است به عمق پرتشن ابهام دیرینه تقابل شیئت انسان و انسانیت شئ. اما تقابل‌ها بدین جا ختم نخواهند شد. فرآیند ادراک / فهم در برخورد با این توده‌ها به مداومت این بار آگاهانه‌تری در خویش فراخوانده می‌شود. مگرنه آنکه هنر تلاشی است آشنایی‌داشتن اینکه از این مداومت و مداومتی آگاهانه، آغاز شده از آن نقطه مایل به ثبات، که حافظه نمایانده بود؟ عبور از نقطه ثقل بدیهی ساز حافظه، شروع معرفت است.

در هر اثر هنری، متریال ساختاری (مادیت فرم / نشانه) ملموس‌ترین نظام کمپوزیسیون آن خواهد بود. یعنی هست‌ترین لایه هستی شناسیک اثر. از این رو است که متریال را تاریخی است ناشی از انباشت کارکردهایش در یک بافت اجتماعی. و متریال راستی است ناشی از تمایل حافظه انسانی به تطابق با تاریخ متریال و مجموع انحرافات پیشین از آن. تار و پود نخ‌های پشمی در همبافته شده به عنوان یکی از کهن‌ترین متریال‌های به کار رفته توسط انسان در زیست روزمره، در آثار حامد قجرپور، با تمام ناپایستگی ملموس‌شان، اولین لایه ادراکی ما در برخورد را، به دلیل فیگوراتیو و ارگانیک بودن کلیت فرم، با گسترش از حافظه مواجه می‌کند. از آن رو که تنانگی ناپایداری است در تقابل با میلی‌ستی به فرض یا حفظ پایداری تن. این جاست که ارزش زیبایی شناختی دوچندان این آثار، نه در مضامین انسانی و تاویل‌پذیری انبوه شان، که در تنش اکسپرسیونیستی شان با سنت متریال، یافت شدنی است. فهمی پست‌مینیمالیستی از ناپایداری هرگونه جسمانیت (توده‌تنی) در تقابل با میل به جاودانگی آنچه پایه و اساس ادراک / فهم مابوده است (توده‌تنی). این بار اماده یکی از کهن‌ترین متریال‌هایی که نقش سنتی پوشش‌تن بودن خود را واهاده تا سراسر، خود، تن شود.

۲| درباره هنرمند

حامد قجرپور، هنرمند جوان و خوش ذوق شیرازی و هنرآموخته رشته نقاشی دانشگاه هنر ارم شیراز است. آشنایی با فلسفه و تاریخ هنر، او را به آزمودن بسیاری متدها برای یافتن بهترین راه انتقال احساس و تفکر از طریق هنر ترغیب کرد و سرانجامش حجم‌های فیگوراتیوی است که هم‌اکنون به نمایش عموم درآمده است. در کنار دیدگاهی نو در فرم و چیدمان، قجرپور از مدیابایی متفاوت برای خلق اثر بهره می‌گیرد. پشم گوسفند و نخ گلیم و گبه، حسی آشنا را همراه خود دارد که نتها دیدنش، بلکه بوبیدن و لمس کردنش قدرت به لرده درآوردن ناخداگاه و یادآوری خاطرات را داراست. همین موضوع مخاطب را به دیدن جامعه‌ای از رمق افتاده با پیشینه‌ای غنی دعوت می‌کند؛ با اینکه همه از یک ریشه هستند و ممکن است یک کل واحد دیده شوند، اما هیچ‌یک مانند دیگری نیست و هر کدام ریتم، سایه و هویتی خاص به خود گرفته است.

۳| اعضاء چاپ خونه

صاحب امتیاز: خانه هنر شیراز | موتور خونه
مدیر مسئول و مدیر هنری: سپهر سیاح | ۴
سردبیر: شیدا بردبار | ۲-۳
نویسنده و منتقد مهمان: مجید خادم | ۱
ویراستار: مرجان شعائیری
گرافیست: فائزه غیاثی
تصویر: پوریا زارع

۳| جستاری کوتاه درباره فلسفه هنر

در چاپ‌های پیشین نشریه چاپ خونه، به دنبال تعریف مشخصی برای هنر و ارزش گذاری اثر هنری، به بررسی نظریه‌های بنیادینی چون والتر بنیامین و جرج دیکی پرداختیم. مسئله اصلی که هنگام تحلیل تمامی نظریات فلسفه هنر پیش می‌آید، چراکه این تعریف‌هاست. نیاز به وجود تعریفی مشخص از کجا نشئت می‌گیرد؟ آیا ماهیت فلسفه هنر پذیرای تعاریف ابدی و ثابت هست یا نه؟

از دیدگاهی منطقی حتی در باب فلسفه هنر این خط کشی ناممکن است، زیرا هنر نمی‌تواند نظامی از تعریف‌های دقیق، ضروری و جامع داشته باشد. متفکری چون ویتنگشتاین حتی برای نظام بسته‌ای چون نظام زیبایی‌شناسی سنتی، مفهومی بازو گسترده قائل است؛ بنابراین نمی‌توان آن را برای یک بار و همیشه تعریفی مشخص کرد. در مبحث زیبایی‌شناسی که همواره برای تحلیل هر چه درست و کامل‌تر آن، بحث‌های زیادی صورت می‌گیرد، ثبات جایی ندارد؛ چراکه دو مسئله‌ی تجربه‌ی شخصی و درونی مخاطب و زبان شخصی هنرمند هرگز در نقطه‌ای مشترک نمی‌ایستد. در نگاه ویتنگشتاین شکل زندگی همان شکل ویژه‌ی زندگی فرهنگی است؛ تصور زیبایی خاص به معنای تصور فرهنگی خاص خواهد بود. از این رو ادراک یک مفهوم به شکلی از زندگی گره می‌خورد. "فرهنگ" و "شکل زندگی" اجزایی از یک هویت کل هستند که آن را "فردیت" می‌خوانند. آنچه موراکامی و کاوای در گفت‌وگوی خود به آن اشاره دارند تفاوت "تعریف فردیت" در نقاط مختلف از لحاظ جغرافیایی است. در این تعاریف آنچه یک شهروند اروپایی فردیت می‌داند را شهروند ژاپنی نمی‌تواند پذیرد؛ چراکه لزومی به پذیرش نمی‌بیند. در فرهنگ ژاپن از دیرباز تاکنون آنچه هویت یک فرد را می‌سازد، جمعی است که به آن تعلق خاطر دارد و خود را جزئی از آن کل می‌داند. همین تعاریف و تفاوت‌ها که جزئی از فرهنگ و نگرش زیستی افراد محسوب می‌شوند در درک زیبایی و زیبایی شناسی نیز به همان اندازه تأثیرگذار هستند. همین مسئله نظرات متأخر ویتنگشتاین که مخاطب را با معضلات نشانه‌شناسی و هرمنوتیک مدرن روبرو می‌کند، برای متفکرانی چون درید، ریکور و لیوتار جذاب و قابل بحث می‌سازد. چنان‌که این اندیشمندان را به یافتن جایگاهی نسبی برای تأثیرات هنر و "حقیقت شکل ناب" ترغیب می‌کند. در چاپ‌های بعد به این مضامین بازخواهیم گشت.

۴| اقتصاد هنر

تأثیر بحران اقتصادی بر اقتصاد هنر

قاعدتاً بحران اقتصادی در هر نقطه از جهان، در اقتصاد هنر آن کشور تأثیرگذار است، اما قاعده تأثیرپذیری آن نسبت به کالاها و اشیاء مصرفی جامعه متفاوت است. نکته عجیب در این مسئله، تأثیرپذیری فقط و فقط «فرد» است، کلکسیونرها به تنها و اشیا یگانه و خاص و منحصر به فرد. به همین دلیل وقتی با این نوع بحران روبرو می‌شویم، می‌بینیم که تلاطم اقتصادی بر آثار شاهکار و مشهور معاصر و یا ارزشمند تاریخ هنر تأثیری ندارند؛ حتی کلکسیونرها دنبال این نوع آثار هستند و گاه‌آی قیمت آنها افزایش پیدا می‌کند؛ اما در این حین آثاری بالارزش مالی کمتر مانند نقاشی‌های خوب یا مجسمه‌های دارای ارزش هنری و مواردی از این قبیل، تحت تأثیر قرار می‌گیرند و دچار رکود می‌شوند. در این بازه زمانی خاص، این نوع آثار برای اینکه به فروش برسند نیاز به ارزش گذاری دقیقی توسط کارشناسان متبحر دارند؛ بنابراین تأثیرپذیری آثار هنری نسبت مستقیم با کیفیت و اهمیت آن دارد.

